

یاد بود انقلابی

سخنی از "قطب نما"

اخیرا دو نوشته جداگانه که اما به یک موضوع واحد و مشخصی اختصاص دارند، بدست ما رسیده است؛ اسنادی تاریخی مربوط به سازمان انقلابی وطنپرستان واقعی (ساوو) که توسط هوادارانش برای نشر در "قطب نما" ارسال شده است. این نوشته ها گوشه معینی از مبارزه خونین یکی از نیروهای سابقا فعال در جنبش انقلابی کشور را به تصویر می کشند: سرنوشت غم انگیز و اما غرور آفرین تعدادی از جانبختگان (ساوو) در اولین سال های جنبش مقاومت، در مبارزه آزادیخواهانه انقلابی علیه اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیسم شوروی سابق و حاکمیت عریان فاشیستی نوکران خانه زاد خلقی و پرچمی شان.

یکی از این اسناد به مسئله محاکمه فرمایشی آن عده از رهبران و کادر های کمونیست همین سازمان و دفاعیات شان می پردازد که همانند هزاران انقلابی سربکف دیگر، بدست آدمکشان خلقی و پرچمی تیرباران شدند. روح شان شاد و یاد شان گرامی باد!

این نوشته که موضع گیری (ساوو) و مهمتر از آن، گوشه هایی از دفاعیات خود شهدای انقلابی جانباز در دادگاه فاشیستی حزب دموکراتیک خلق را احتوا می نماید، در شماره آینده "قطب نما" به نشر خواهد رسید.

اکنون در این شماره، نوشته دیگر همین سازمان را مطالعه می نمایم که یکسال بعد از تیر باران تعدادی از رهبران انقلابی طراز اولش بدست آدمکشان فاشیست خلقی و پرچمی، انتشار یافته است.

در این نوشته بسیار کوتاه و مختصر (یاد بود انقلابی)، طوریکه از عنوانش پیداست، به موضوعی تماس گرفته میشود که برای انقلابیون و همه دوستداران راه آزادی و انقلاب، همواره بعنوان یک امر فراموش ناشدنی، حایز اهمیت همیشگی و به سزایی میباشد، یعنی مسئله چگونگی قدردانی و گرامی داشت خاطره تابناک جانبختگان راه آزادی و دیگر ارزش های انسان ستمدیده و زحمتکش؛ بزرگداشت نام و یاد شهدای گلگون کفن راه انقلاب؛ گزینش راه و رزم و پاسداری از آرمان ها و ایده آل های والای انقلابی شان.

"یاد بود انقلابی" بمثابه یک سند تاریخی، که دیدگاه های انتشار دهندگان آن را در قریب به سه دهه قبل از امروز نمایندگی می نماید، بدون شک حاوی ضعف ها و کمبود های چندی میباشد، ضعف ها و کمبود هایی که در انتشار مجدد هم، می بایست دست ناخورده و به همان حالت خودشان باقی می ماندند.

با در نظر داشت وضعیت کنونی جامعه و نیاز های سیر و پیشرفت مبارزه انقلابی، نشر این نوشته در "قطب نما" و آنهم نه فقط از زاویه دید تاریخی، بدلالی چند مهم و ضروری می نمود:

اولین دلیل همانا یک واقعیت خیلی تلخ و دردناکی است که امروزه همگان ناظر آن میباشیم، و آن عبارت از حضور مجدد قاتلین شهدای بخون خفته ما، یعنی همان آدمکشان خلقی و پرچمی و دیگر همپالگان حقیر شان در موقعیت های مختلف در تمامی ارگان های دولت دست نشانده امریکایی ها در کابل میباشد! همین مسئله به تنهایی، خصلت حقیقی این دولت را برملا میسازد؛ یک دولت ملاک - کمپرادور دست نشانده و مزدور با ترکیبی از خون آشام ترین عناصر و جریانات آزموده شده جنایت پیشه، میهن فروش، تاریک اندیش و ضد انقلابی که بپاداش همه خونریزی ها، استخوان شکنی ها و ویرانگری های خانمان برانداز گذشته خویش، نه فقط از پیگرد و بازخواست "قانون" معاف میگردند، که اینک بازهم بدست اربابان پارینه و حال خودشان، بر اریکه قدرت سیاسی نصب گردیده اند!

از اینجاست که هرگز نباید و تحت هیچ شرایطی اجازه داد تا این واقعیت خیلی زننده و جانکاه، که لنگر بغایت آزاردهنده اش بسان کابوسی هولناک، هردم و هر لحظه ای روح و روان هر انسان آزاده، پاک طینت، داغدیده و دردمند را شکنجه می نماید، به یک امر بدیهی و پذیرفته شده مبدل گردد. همواره در هر فرصتی، بتکرار و به هر وسیله ای، باید جنایات فراموش ناشدنی همه همین دشمنان سوگند خورده مردم را در وجدان جامعه و در مخیله ماندگار تاریخ زنده نگهداشته و بدینوسیله از همه، همچنان درس و عبرت لازم و درخور شأن شهدای ارجمند و عالی مقام ما را استخراج نمود.

آرامش روان پاک شهدای در خون خفته، تأمین عدالت، انصاف، صلح و امنیت، و هرگونه امید به آینده ای بهتر در یک جامعه فارغ از جنگ، زورگویی، ستم، نا امنی، بیعدالتی، استثمار، نابرابری، تبعیض و ... اینک به مبارزه قاطع و بی امان، علیه همه همین دسته بندی های جنایت پیشه و آدمکشان حرفه ای و اربابان حمایتگر شان بستگی می یابد.

دلیل دیگری که رویکرد آگاهانه ما به گذشته را ضروری و براین مبنا، یادآوری از رویداد ها و حوادثی چه بسا خونبار و اندوهناک آنرا در اینجا موجه جلوه میدهد، رویهمرفته یک دلیل تاریخی است. حق شناسی، حق طلبی و رزم و پیکار جاودانه در راستای تأمین ایده آل های تابناک انسانی همچون آزادی، صلح، پیشرفت و تحقق عدالت اجتماعی ... همواره مسیری بوده است سخت، پر خم و پیچ و بی پایان، که فراز و فرود های آن در همه جا، بخون پاک رهنوردان جانباز همین راه، رنگین گشته است. "هرجا که ستم باشد، مقاومت هم هست" بعنوان یک آموزه ارزشمند تاریخ، بر همین امر دلالت دارد. پس تلاش های مذبحخانه دشمنان تاریخی مان را که با زورگویی و چنگ انداختن به سلاح جعل، تحریف و توطئه، میخواهند به زعم خودشان، ما را گویا نفی تاریخ نمایند، میتوان و باید با رویکرد بخود واقعیت تاریخی هم، درهم کوفته و خنثی نمود. یادبود از کارنامه های آمیخته بخون مبارزین انقلابی شهید هم، بی تردید یکی از حربه های لازم همین کار است.

جانپازی ها و جانفشانی های همین سه دهه اخیر در حیات سیاسی جامعه با یک جهتگیری ترقیخواهانه ضد سوسیال امپریالیستی، ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی برای نیل به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی را، سبکسرانه با موعظه های بی رمق "جهاد" ، "جهاد بازی" چه بسا جهاد اسلام امریکایی، "انقلاب اسلامی" و "آرمان" استقرار یک امارت اسلامی یا بدیل مماثلش یک حاکمیت قهار تئوکراتیک جایگزین نمودن، در بهترین حالت یک دستبرد ناشیانه و بی ثمر، و یک رویای خام و خیال اندودی خواهد بود، که بنیاد متزلزل آن اما بریک شوخی و بلاهت تاریخی گذارده شده است!

آستان بوسی یک تعداد عناصر خود فروخته و حقیر بدرگاه امپریالیست های اشغالگر و ارتجاع خادم ایشان، همچنان دلیلی بوده است که یادی از شهیدان در خون تپیده و غرور آفرین انقلاب را در اینجا بر ما لازمی می ساخت؛ آنها که زمانی دزدانه و در واقع بمثابه مارهای میان آستین، در صفوف یک جنبش رو به اعتلای انقلابی خزیده بودند، اینک آشکارا با قرارگرفتن در صف ضد انقلاب و با نشخوار همان تفاله های خوان ارباب، چپ و راست به هر آنچه به انقلاب و اندیشه و آرمان انسان ستمدیده و زحمتکش یا همان آرمان والای شهدای انقلابی ما ارتباط میگیرد، لعنت می فرستند. و بدینسان است که آنها با ظاهر شدن در نقش روسپی های سیاسی و رقصیدن به ساز اربابان زر و زور، میخواهند سرخرو و سرفراز گویا هر دو جهان گردند!

پس یادبود از شهدای انقلابی و محکم نگهداشتن سلاح رزم و پیکار انقلابی شان، در واقع مشقت کوبنده ایست همچنان بدهان کثیف و مردار همه همین مرتجعین تازه " بدوران" رسیده ای که با خوشخدمتی های خودشان و با توسل به همان سلاح زنگیده اربابان خویش، همچنان در تلاش اند تا گذشته های تاریخی خونبار و افتخار آفرین ما و یاران انقلابی شهید مان را کمرنگ جلوه داده و گویا نفی تاریخی نمایند! پس یادبود از رفیقان انقلابی هم رزم و گرامی داشت خاطره تابناک یاران شهید، از جهتی هم در حقیقت زنده نگهداشتن تاریخ و ارزش های تاریخی میباشد.

به همه همین دلایل و غیر آنست که ما همواره و در هر فرصتی می خواهیم، از شهدای انقلابی خودمان یاد نماییم، اما چگونه؟

این یادبود، به یقین نه آنست که بکوشیم نوشته ای در بزرگداشت نام و یاد یاران شهید به قید قلم در آورده و یا چکامه ای به همین مناسبت بسراییم؛ یادبود راستین از شهیدان انقلاب و بزرگداشت حقیقی و در خور شأن ایشان، همچنان نه "رتوالی" است مذهبی و نه هم یک تجرید عاطفی محض، که بتوان آن را سالی یکبار با یک عنعنه پرستی "شبه انقلابی" گویا متحقق گردانید.

این یادبود قبل از همه بمثابه یک اندیشه و عمل هدفمند و خلاق، بخشی از مبارزه رزمنده، پیگیر و مستدام انقلابی میباشد که طی آن، نه فقط از شهیدان عالی مقام مان، با غرور و افتخاری شایان یاد نموده و خاطره فراموش ناشدنی شان را همواره گرامی میداریم، بلکه با آموزش از رزم و پیکار انقلابی آنها، همچنان بر تعهد خودمان در حرف و

عمل، در دفاع از راه و رزم انقلابی ایشان در راستای تحقق آرمان ها و ایده آل های انقلابی و تابناک شان تأکید نموده ، یعنی با آنها تجدید میثاق انقلابی می نمایم؛ این همان درس و نکته محوری میباشد که نوشته " یاد بود انقلابی" همزمان ما که آنرا در پایین مطالعه می نمایم، در همان سه دهه قبل، کوشیده است تا توجه انقلابیون را بدان معطوف داشته و اکنون هم، کماکان معطوف می نماید.

بی مناسبت نخواهد بود چنانچه در اینجا یاددهانی شود، که " قطب نما" حاضر است بگونه همین اسناد رفقای (ساوو) ، همچنان نوشته های سایر نیروهای انقلابی و باقی دیدگاه های همه افراد شرافتمند طرفدار عدالت و انصاف و بویژه قربانیان درد مند همه جنایات را، بعنوان یک پروژه در لابلای صفحات خودش به نشر بسپارد؛ نوشته ها، اسناد، خاطرات، درد دل ها و گفتنی های آنانی را که بمنظور استفاده و اطلاع همگانی، خواهان انتشار شان بوده و بدینسان حاضرند، با بیان حقایق تاریخی، حد اقل خدمتی بتاریخ نمایند.

"قطب نما"

اگست 2007